

معرفه الروح

در چند هزار سال پیش روزی که آنمرد دانشمند هندی در کتاب وودا (Veda) اینجمله را: «من چندین بار بدنیا آمده‌ام تو نیز همینطور؛ فقط فرق اینست که من همه را بیاد دارم و تو فراموش کرده‌ای»، مینوشت، یقیناً نمیدانست که این گفتار او درباره‌ی عود ارواح مورد قبول عده‌ی کثیری از دانشمندان اقوام و ملل واقع خواهد شد و روزی خواهد آمد که فضلا روانشناس اروپا عقیده‌ی او را بر پایه‌ی علوم مثبت و تجربتی استوار سازند.

آری! هندوستان کانون علم و مهد معرفت در دنیای قدیم بوده و بسی از عقائد است که هندوان در نتیجه‌ی ریاضت و تزکیه و تصفیه‌ی نفس پی بدانها برده‌اند و پس از چندین صد سال، دیگران با وسایل علمی صحت عقائد آنانرا تصدیق کرده‌اند.

یکی از این قبیل عقائد؛ عقیده‌ی بزندگانیهای متوالیه یا بعبارة اخری عود ارواح است که علماء روحی اروپا آنرا «ران کارناسیون» (Réincarnation) مینامند.

این عقیده چنانکه اشاره شد برای نخستین بار در سرزمین هندوستان آشکار گردید و در کتب هندوان مانند: وودا، و بهارات (Bhagavada Gita) عبارات بسیاری در جست که همه حاکی از این میباشد که: ارواح بشری برای تکمیل و ترقی خود مکرر بدنیا خواهند آمد و تنها کسی بدنیا باز گشت نمینماید که دوره‌ی تکامل خویشرا طی کرده و ببرهما (Brahma) واصل شده است.

ریشه‌ی این عقیده در سرزمین قدیم هندوستان شروع بنمو کرد و پس از چندی درخت تناوری شد و شاخه‌های بسیاری بوجود آورد و سپس، دانشمندی که از کشورهای مختلف به هندوستان مسافرت کردند هر کدام شاخه‌ی از این درخت تناور جدا نموده بکشور خود بردند و آنرا در فکر مردم فرو نشانده و با بیانات مخصوص بخود بآبیاریش پرداختند.

طولی نکشید که هر کدام از این شاخه ها نیز درخت تناوری شد و بر سر او هام و خیالات و حتی افکار و عقول اقوام و ملل سایه گستر گردید و هیچ قوم و ملتی نماند مگر اینکه خود را در سایه یکی از شاخه های این درختهای تناور جای داد و جایگاه خویش را هم نام مخصوصی نهاد و بعبارة اخرى تمام اقوام و ملل با تغییر اسم معتقد بعود ارواح شدند و حتی پیشوایان ادیان و مذاهب هم یکی از پایه های اصلی و محکم دیانت و مذهب خود را این عقیده قرار دادند چنانکه غزالی گفته است :

« ما من مذهب الا وللتناسخ فيه قدم راسخ ، و فقط فرق بين دستجات مختلف معتقدین با این عقیده اینست که : بمقتضای اختلافی که در محیط زندگانی و طرز افکار آنها بوده است هر دسته ای بر حشو و زوائد آن - آنها خیاالی کم - افزوده است و گرنه در اصل اعتقاد بعود ارواح همه شریک هستند و گاهی افزودن این حشو و زوائد از طرف حکماء و فلاسفه بوده چنانکه « قطب الدین ، علامه شیرازی ، نقل میکند که : « جمعی از دانشمندان بابل و هند و حکماء خسروانی و جمیع اقدمین از فلاسفه مصر و یونان معتقد بوده اند که در هر چهار صد و سی و شش هزار و بیست و پنج سال (یک کور) جهان و جهانیان باز گشت بدنیا میکنند ، (۱) و « گابریل دلان ، Gabriel Delanne مینویسد که : « باز گشت روح بدنیا و زندگانی ابدی او بوسیله جسمی است که الطف از بخار می باشد و این جسم را ما « پریسپری ، Périssprit مینامیم و هند و ها آنرا « لنکشاریرا ، Linga Sharira و عبریها « نفس ، Nephesph و مصریها « کا ، Ka و یونانیها « اشما ، Ochéma و فیثاغورث ، ائی دولون ، Eïdolon و آگاهان اسرار مکنونه ، بدن آسمانی ، و ایرانیان ، فروهر ، مینامیده اند (۲) و در کتب حکمت و کلام فارسی و عربی و بین مسلمین ، این جسم ببدن مثالی شهرت یافته و « شیخ اشراق ، و پیروان فلسفه او اصراری تمام با ثبات عالم مثال و قالب مثالی داشته اند و از حکماء مشاء ، و متکلمین هم فقط چند نفر معدودی منکر هستند و ادله منکرین را نیز معتقدین بتفصیل رد کرده اند .

(۱) برای اطلاع بر تفصیل این عقیده و مطالعه دلالتی که فلاسفه بعنوان اثبات آن اقامه کرده اند ، رجوع بکتاب « حکمة الاشراق ، و شرح آن از صفحه ۲۳ تا صفحه ۳۵ فرمائید . (۲) کتاب عود

علت پیدایش عقیده بعود ارواح در کشور یونان نه تنها بسادگی اول خود
باقی نماند بلکه عنوان علمی دقیقی یافت و بصورت های متعدد
کوناگونی آشکار گردید و علت آن این بود که فیثاغورس

(۱) در قرن ششم قبل از میلاد بمصر و ایران و هند مسافرتی طولانی کرد و این عقیده
را از اهالی این سه کشور فرا گرفت و برای اولین دفعه آنرا جهت مردم یونان بار مغان
برد و اهالی هر يك از این سه کشور باستانی، خود مقدار مسائل فرعی بر اصل عقیده
مزبور افزوده بودند چه، در کشور هند چندین قرن از زمان پیدایش این عقیده گذشته
و خواه نخواه مطالبی باقتضای مرور زمان بر آن اضافه شده و در کشور ایران
و مصر هم با عقائد دینی و مذهبی درهم آمیخته دارای شاخ و برگ هایی که هندیها
هم آنرا نمی شناختند گردیده بود.

فیثاغورس از یک طرف عقیده مزبور را با این اضافات فرا گرفته و از طرف دیگر
آنرا با افکار فلسفی مخصوص بخود ممزوج کرده بود و چیز فراهم که برای هموطنان
خویش بار مغان برده همان بود که دارای اضافات ایرانی و مصری و هندی و ممزوج
با افکار فلسفی خود او گردیده بود و بنام این آنچه را که اهالی یونان از این عقیده
میشناختند با چیزی که هندیان قدیم از آن میشناختند فرق داشت - طبیعی است
که پس از انتشار تعلیمات فیثاغورس هم یونانیان مطالبی بر این عقیده افزوده اند
بخصوص که موجبات این افزایش را خود فیثاغورس برای آنها فراهم کرده بود چه
آنکه فیلسوف مذکور عقیده بعود ارواح را از دو جهت برای دو گروه مختلف المسلك
که در استعداد و تعلیمات هم با یکدیگر اختلاف داشتند، تدریس میکرد :
- يك گروه کسانی بودند که فیثاغورس این عقیده را برای آنها از جنبه عملی و اخلاقی
تعلیم میداد و گروه دیگر جماعتی بودند که اهل بحث و تحقیق علمی بشمار میرفتند
و فیثاغورس آنرا از جنبه علمی و فلسفی بآنها میآموخت.

اختلاف جهات تعلیم استاد و اختلاف جهات تعلم شاگردان و اختلاف جهات
استعداد و مسلك پیروان فیثاغورس سبب گردید که عقیده بعود ارواح در کشور

(۱) Pythagore، ری مشهورترین حکماء اقدمین یونان میباشد و چنانکه در متن اشاره شده در قرن ششم
قبل از میلاد میزیسته و او اولین کسی است که فیلسوف، نامیده گردیده است.

یونان بصورت‌های گوناگونی ظاهر شود و در نتیجه بزرگترین و مهم‌ترین عقیده قدیمی
 • تناسخ ، بوجود آمده و تغییراتی در ارکان اصلی عقیده مزبور راه یابد .
 وقتی که پیروان فیثاغورس عقیده تناسخ را از اصل عقیده هندی عودارواح
 بوجود آوردند در محافل علمی و ادبی و مجالس دینی و اخلاقی کشور یونان غلغله
 هایی در افتاد و طلاب علم و ادب و اخلاق برای بحث و جدال و تحقیق و تشکیک
 موضوع تازه‌ئی را یافتند و بر سر صحت یا سقم آن مجامع مناظره و محاوره را گرم نمودند
 • حکیمان طریق جدل ساختند لم و لا نسلم در انداختند ،
 • فتادند در عقده بیج بیج که در حل آن ره نبردند هیچ ،

چندین صدسال اینموضوع کهنه برای محصلین یونانی تازه‌گی داشت و یکی
 از مهمترین مسائل دقیقه فلسفه مسأله « تناسخ » بشمار میرفت و روی همین اصل ،
 دانشمندان یونان با توجه کامل بی‌بحث در اطراف آن میپرداختند و حقایق موضوع
 تناسخ سزاوار این توجه و بحثها بود زیرا که : اگر صحت آن بر عموم مردم ثابت
 میشد ثبوتش مبادی بسیاری از ادیان و مذاهب و تعلیمات و اخلاقیات و علوم و معارف
 و اجتماعیات را که بشر در طی مدت قرنهای متمادی بی‌ریزی کرده بود ، یکسره زیر
 و زیر میکرد چه ، اتکاء مبادی مزبور بیشتر روی اصل فرض عالم دیگری و راه
 اینعالم محسوس و تصور پاداش و مجازات اعمال نیک و بد در آنعالم و خیال بهشت
 پر از حور و غلمان و جهنم مملو از مار و عقرب بود و عقیده تناسخ این اصل کلی را که
 مسلم بشمار میرفت زیر پانهاده منکر عالم دیگری غیر اینعالم بود و صریحاً میگفت
 که : پاداش و مجازات اعمال نیک و بد در همین عالم و در روی همین زمین و در زیر
 همین گنبد نیلی فام سیهر عائد ارواح خواهد شد و هر روح پلید کاری بواسطه عذاب
 مکرر بدنیا آمدن ، و با انواع شکنجه‌های دنیائی معذب شدن ، و بعقوبت دوزخ عالم مادی
 گرفتار گردیدن ، آنقدر تعذیب خواهد شد که دارای پاکی فطرت شود و پس از پاکی
 فطرت باز آنقدر بدنیا خواهد آمد که درجات متوالیه تکامل یا باصطلاح هرودت ، (۲)
 دوره ، حدیده حیوانی یا حیاتی ، را تماماً طی کند و بکمال غائی خود برسد .

(۱) Hérodote ، وی از جمله سیاحان و مورخین مشهور دنیا میباشد و بواسطه تألیف کتاب
 معروف تاریخ ملقب به « پدر تاریخ » گردیده است ، هرودوت بیابان و مصر و فلسطین
 مسافرت کرده و عقیده تناسخ را از دانشمندان آنجاها فرا گرفته بوده و در اینموضوع مطالب مخصوصی نقل
 کرده است که بعد از اشاره با آنها خواهیم نمود ، ولدش در حدود سال ۴۸۴ و وفاتش ۴۲۵ قبل از میلاد بوده است